راهکارهای طراحی عرصه میانه با رویکرد جبران سازی مسکن حداقل در ایران

رامین مدنی - مینو شفایی

چکیده

سکونت حاصل تاثیر عوامل متعددی مانند اقلیم، مصالح، فناوری ساخت، موقعیت زمین، عوامل اجتماعی، اقتصادی، نظامی، مذهبی است . در مقاله حاضر، مسکن به عنوان پهنه ای با معنی در « اکوسیستم سکونت» تلقی می شود. اکوسیستم سکونت، مانند هر اکوسیستمی شامل اجزایی است که از تعامل میان آن ها، بقای اکوسیستم امکان پذیر است و در صورت تغییر هر یک از اجزا، لازم است سایر اجزاء جهت پایداری اکوسیستم تغییر کنند. انسان و محیط دو عضو اصلی اکوسیستم سکونت هستند. محیط شامل سه عرصه خصوصی، میانه و عمومی است. در این میان بحران های اجتماعی و اقتصادی ایران در دهه های اخیر، برنامه ریزان را به سوی حداقل سازی مسکن یعنی کمینه کردن عرصه خصوصی هدایت کرده است. کمینه کردن عرصه خصوصی، می تواند آسیب هایی را به کیفیت سکونت وارد کند. از این رو جبران سازی مسکن حداقل در عرصه های دیگر اکوسیستم سکونت یعنی میانه و عمومی مطرح می شود. به دلیل اهمیت عرصه میانه، در مقاله حاضر جبران حداقل سازی مسکن در عرصه میانه بررسی شده است. مقاله حاضر در صدد تبیین راهکارهای طراحی عرصه میانه با رویکرد افزایش تعاملات اجتماعی ساکنان است تا محدودیت سکونت در مسکن حداقل جبران شود و منجر به حفظ کیفیت سکونت و پایداری اکوسیستم سکونت شود. روش تحقیق، کیفی – کمی و بر مبنای استدلال علمی است. جامعه آماری شامل ۲۰۰ نفر ساکن در ۲ مجموعه مسکونی است که رفتار آنان از طریق مشاهده و پرسشنامه ثبت شده است. یافته های پژوهش شامل راهکارهای ذیل است:

طراحی ساختار متقارن و منظم در بلوک های مسکونی

طراحی سلسله مراتبی حیاط های متوالی در عرصه میانه و ایجاد سبزینگی، آب نما و نشستنگاه

طراحی فضاهای متنوع با کاربری هایی مانند فضای بازی، ورزش، پیاده روی، نشستنگاه در عرصه میانه

اختصاص حریمی به نام « پیش خانه» به هر واحد مسکونی

اختصاص « ایوان بازی» در فواصل هر سه طبقه ساختمان مسکونی

واژگان کلیدی : اکوسیستم سکونت، مسکن حداقل، جبران سازی، عرصه میانه.

مقدمه

رشد جمعیت، جبران خسارات جنگ، تورم، مهاجرت به شهرها و تغییر شیوه زندگی در سال های اخیر، برنامه ریزان را به سوی انبوه سازی، متراکم سازی و مسکن حداقل سوق داده است (Rafat-jah,2003,pp.42,45,52).

حداقل سازی پاسخی است به مسئله مسکن؛ اما مشکلاتی به همراه دارد که ناشی از طراحی نادرست است (Madani,2008,pp.12-13).

ایده پلان آزاد، تاکید بر سادگی طراحی و هندسه مربع پلان ها، موید آن است که طراحان مسئله حداقل سازی مسکن را پذیرفته اند (Fariedman,2007,p.57) و (Madani,2008,p.12).

مطالعات مسکن، دو دسته اند. یکی مطالعات کمی مسکن و بررسی اندازه فضاها که اکثر تحقیقات در مورد مسکن حداقل، در این دسته اند. دوم، بررسی رفتار های انسانی و توجه به کیفیت سکونت؛ در ایران حداقل سازی، در بعد کمی مورد توجه قرار گرفته است.

در ضوابط ساخت مسکن ارزان قیمت و حداقل، اندازه هایی برای فضاهای مسکن براساس بعد خانوار، پیشنهاد شده است (The Gauide lines & Laws for Designing and Building 20000 New House). اما در پژوهش ها، مسئله حداقل سازی در دامنه دانش اکولوژیک سکونت بررسی نشده است و سوالات ذیل وجود دارد:

کمینه شدن عرصه خصوصی چه پیامدهایی دارد؟

چگونه می توان برای حفظ کیفیت سکونت، کمینگی عرصه خصوصی (مسکن حداقل) را در عرصه میانه جبران کرد؟

جبران سازی در عرصه میانه چگونه باید صورت گیرد؟

۱. چیستی سکونت

سکونت، آرامش و قراری است که انسان از تعامل با محیط به دست می آورد و مسکن، ظرف سکونت و جایی برای قرار و آرامش است (Dehkhoda). جایی است برای یافتن « خود»، « احساس تعلق کردن» و « بازشناسی هستی» انسانی و « سکنی گزیدن» یعنی در آن واحد تعلق خاطر پیدا کردن به مکان های خاص که قلب انسان در آن جا شکوفا شده است و مغز او به اندیشه می پردازد (Schulz,2002,p.15).

اهمیت حقیقی خانه، مکان صلح و سرپناه نه فقط در برابر شداید است، بلکه محلی در برابر ترس، شک و جدایی است (Gifford,2000,pp.71-98). به همین دلیل، خانه بیش از آن که ساختاری کالبدی باشد، نهادی است چند بعدی (Rapoport,1969,p.46). عوامل متعددی مانند بهداشت، میزان آلودگی صوتی، درجه حرارت، پوشش گیاهی، اقلیم، مصالح، فناوری ساخت، موقعیت زمین، عوامل اجتماعی، اقتصادی، نظامی، مذهبی و مانند آن بر سکونت موثر است (Rapoport,2010,pp.38-40). این جاست که سکونت می تواند به عنوان یک اکوسیستم مطرح گردد.

۲. اکوسیستم سکونت

« مسکن نهادی است که در راستای یک سری مقاصد پیچیده به وجود آمده است ... از آن جا که ساختن یک مسکن پدیده ای فرهنگی است، شکل مسکن و سازمان و نظم فضایی آن شدیداً متاثر از محیط فرهنگی است که مسکن به آن تعلق دارد » (Rapoport,2010,p.82). اما انسان، محیط و ارتباط آنها بسیار پیچیده تر است. در این مقاله، سکونت سیستمی است که انسان و عرصه های زندگی، اجزای اصلی آن هستند و با هدف ارتقای انگیزش انسان و رشد قابلیت های او شکل می گیرد و متکامل می شود. « رویکرد سیستمی سکونت انسان، سیستم اکولوژی سکونت یا اکوسیستم سکونت نامیده می شود» (Madani,2008,p.6).

مسکن به عنوان جزء غیر زنده اکوسیستم سکونت، دارای سیستم پیچیده ای است که پاسخگوی بخشی از نیازهای انسان است. از این نگاه، مفهوم سکونت و مسکن از قالب واژه هایی چون آپارتمان، خانه های تک خانواری، خانه های ردیفی ، پارکینگ، اتاق نشیمن، آشپزخانه، حمام و مانند آن که تصاویری منجمد است، بیرون می آید (Alexander,1992,p.193) و توجه به عرصه های سکونت – محل بروز رفتار – معطوف می گردد.

با این نگرش، سکونت حاصل بقای رفتارهای انسان در سه عرصه محیطی (خصوصی، میانه و عمومی) است؛ بنابراین کلیه اجزای موجود در « عرصه سکونت» باید دارای هدف باشند و از این هدفمندی، نیازهای انسان را بر آورده نمایند و قابلیت استقرار و خود شکوفایی را برای انسان مهیا نمایند (شکل ۱).

شکل ۱. اجزای اکوسیستم سکونت

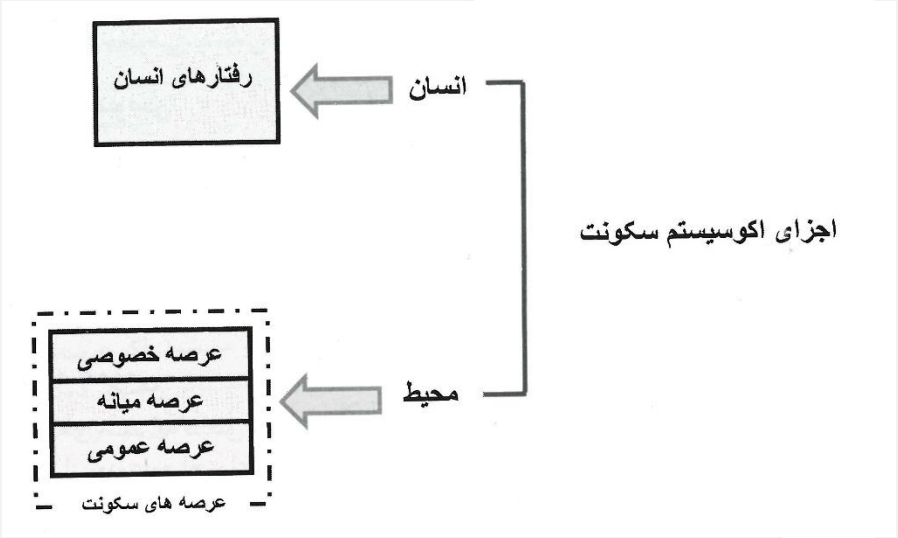

(Madani,2007,p.22)

۱-۲- محیط، جزء غیر زنده اکوسیستم سکونت

انسان ـ جزء اصلی اکوسیستم سکونت)، موجودی پیچیده است و دامنه زندگی او در محیط معینی (جزء غیر زنده اکوسیستم سکونت) قرار می گیرد. رابطه انسان و محیط، دو سویه است. انسان براساس توانایی ها و شایستگی های خود، برای نیازهایش، محیط را تغییر می دهد. محیط نیز ضمن تاثیرگذاری بر انسان، قابلیت هایی دارد که در جهت مقاصد انسان تغییر می کند (Lang,2003,pp.87-94). محیط مذکور در عرصه هایی اتفاق می افتد (شکل ۲) که عبارتند از:

۱. عرصه خصوصی

۲. عرصه میانه (نیمه خصوصی – نیمه عمومی)

۳. عرصه عمومی (جمعی)

شکل ۲ . تقسیم بندی عرصه های زندگی

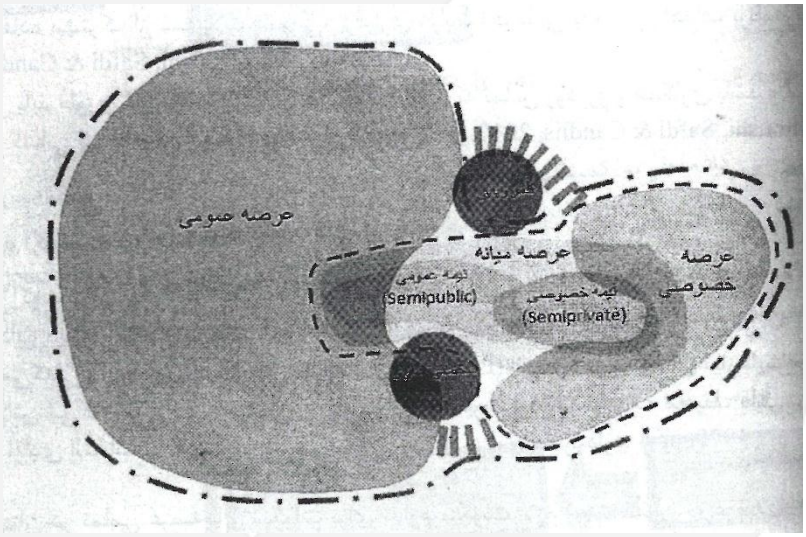

(Madani,2007,p.22)

۱-۱-۲- عرصه های زندگی در اکوسیستم سکونت

شناخت کامل عرصه های خصوصی، عمومی و میانه از مجال این بحث خارج است، ولی معرفی مختصر آن ها لازم می نماید:

۱-۱-۱-۲- عرصه خصوصی

عرصه خصوصی، محدوده ای است مشخص و حریم مدار. این عرصه هم جواب گوی نیازهای پایه و هم عاملی است که تعامل با محیط بیرونی را بهتر می کند. عرصه خصوصی حریم ها را به وجود می آورد، ارتباط نزدیکی با خودمختاری و احساس کنترل دارد و واقعیت ما و چگونگی ارتباط با دیگران را معین می سازد. این عرصه، قسمت مهمی از درک ما از

خودمان یا هویت ماست و اجازه آزادسازی هیجانات را می دهد. بنابراین در اکوسیستم سکونت برای ایجاد خلوت، فضای شخصی و عرت نفس انسانی موثر است (Lang,2003,pp.164-175)

۲-۱-۱-۲- عرصه عمومی

عرصه عمومی، عرصه ای است که متعلق به عموم است؛ در دسترس همه یا اشتراکی است و برای تمام مردم و در اختیار دولت مرکزی است. از بعد علوم اجتماعی، عرصه عمومی و نقش آن بسیار مهم است (Madani,2008,p.21). عرصه عمومی، بستر مشترکی است که مردم فعالیت های کارکردی و مراسمی که پیوند دهنده حیات جامعه است را در آن انجام می دهند. بافت های شهری که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند، جزء عرصه عمومی است.

۳-۱-۱-۲- عرصه میانه

عرصه میانه، بخشی از سکونت است که انسان را برای انتقال از خلوت و حریم شخصی خود به عرصه عمومی (محل بروز هیجانات اجتماعی) آماده می سازد. عرصه های میانه از سویی کیفیت سکونت در عرصه خصوصی را دارد و از سوی دیگر، زمینه ارتباط را دیگران را در عرصه عمومی فراهم می آورد. در جوامع همگن مانند بافت روستایی، همسایگان در آستانه در خانه خود به گفتگو می نشینند، بچه ها در نزدیکی خانه بازی می کنند و سکونت، فراتر از مرز فیزیکی خانه جریان دارد. در واحد همسایگی، همسایگان شبیه تر، عرصه میانه را خصوصی تر می کنند (Altman & Werner ,1985,pp.186-187). عرصه میانه ادامه عرصه خصوصی و بستری برای تداوم رفتارهایی است که در عرصه خصوصی اتفاق می افتد. انسان همسایه های خود را تا حدی می شناسد؛ محیط نزدیک خانه اش را ادراک می کند و به فضای اطراف خانه خود تعلق دارد و رفتارهایی مثل زیباسازی و نشانه گذاری را در عرصه میانه انجام می دهد. انسان با زیبسازی و نشانه گذاری، محیط را شخصی و آشنا می کند (Altman & Werner,1985,p.193) . چون رفتارهای مذکور میان همسایگان مشترک است، عرصه میانه محل تعامل نزدیک اجتماعی خواهد بود و می تواند زمینه ساز ارتباطات گسترده اجتماعی باشد.

حتی در جوامع غیر همگن امروزی، به دلیل منافع مشترک مانند حفظ امنیت، نگهداری و مدیریت مجموعه مسکونی و نیز به دلیل استفاده مشترک از تسهیلات عمومی، برقراری روابط اجتماعی باید جزء اهداف برنامه ریزی مجتمع باشد.

(Ardalan, Sirt, Dhoushi , Safdi & Candlis,2010,p.89).

« مجموعه مسکونی باید طوری سازماندهی شود که مشوق ساکنان به تماس رودررو و همکاری باشد و موجب تقویت حس هویت و تعلق بین کسانی شود که در آن جا زندگی می کنند» (Ardalan, Sirt, Dhoushi , Safdi & Candlis,2010,pp.82-85).

۲-۲- جزء زنده اکوسیستم سکونت

انسان – جزء زنده اکوسیستم سکونت – علاوه بر نیازهای پایه، دارای فرانیازهاست و تحت تاثیر انگیزش های ناشی از فرانیازها، با موجودات دیگر اکوسیستم تفاوت دارد. انسان، یک موجود فعال است که برای رسیدن به اهدافش، محیط را جستجو و تعریف می کند. (Proshansky & et al ,1970,pp.174-175) . نیز در جهت ارضای نیازهایش، برای سازمان دهی محیط فیزیکی تلاش می کند تا آزادی انتخابش را افزایش دهد. در این حالت، هر چه محیط، قابلیت های گوناگونی در اختیارش بگذارد، آزادی انتخاب او بیشتر می شود و توانایی کنترل بر محیط را دارد. (Proshansky & et al ,1970,pp.177-179)

حضور متعادل انسان در تمامی عرصه های سکونت برای تداوم سکونت لازم است. انسان به عرصه خصوصی نیاز دارد تا نیازهایی مانند ابراز محبت و خودارزیابی را برآورده سازد. وی نیازمند حضور در عرصه عمومی است؛ زیرا مقبولیت خود را در آن جا کسب می نماید و به محک می گذارد. عرصه میانه، حلقه واسطه ای است میان عرصه خصوصی و عرصه عمومی که ضمن پیوند دو عرصه مذکور، نقشی جبران ساز را در کاستی های این دو نمی تواند بازی کند و کارایی عرصه های زندگی را افزایش دهد.

سوال این جاست که: کم شدن عرصه خصوصی (مسکن حداقل) چه پیامدهایی دارد؟

۳. مسکن حداقل

مسکن حداقل، بستری است که در عرصه خصوصی شکل می گیرد و در نهایت کمینگی خود، هنوز کیفیت سکونت در آن جاری است (Ahari & Arjmand-nia ,1989,p.132) و با کمینگی بیشتر، کارکرد اکوسیستم سکونت مختل

می شود. این نگرانی وجود دارد که حداقل سازی، تعادل اکوسیستم سکونت را بر هم می زند. این امر مانع خودشکوفایی انسان می شود (Madani ,2008,p.7) اکنون ممکن است سوال شود که:

مسکن حداقل چه کیفیتی از سکونت را نسبت به مسکن مطلوب کاهش می دهد؟ و کدام نیازها را بی پاسخ می گذارد؟ با کمینه شدن عرصه خصوصی در اکوسیستم سکونت، ازدحام در این عرصه افزایش می یابد و نیاز به خلوت و رفتار وابسته به آن (خلوت جویی)، بیشتر می گردد. پس پدیده هایی مثل فرار از خانه، راهی برای دوری از ازدحام است. انسان بیرون از خانه با عرصه های میانه و عمومی که مکان تعاملات اجتماعی است، رو به رو می شود. اگر عرصه های میانه و عمومی، پاسخگوی نیازهای اجتماعی انسان باشد، تعادل اکوسیستم سکونت برقرار خواهد بود. از سوی دیگر، به دلیل کم شدن ابعاد فضای جمعی در مسکن حداقل (Rasekhi - Nezhad ,2007)، امکان تعاملات اجتماعی در عرصه خصوصی کمتر است و این نیاز در عرصه های دیگر باید جبران شود.

٤. جبران سازی

جبران سازی فرایند مبتنی بر تغییر و تبدیل است که تحقق آن، هدف اصلی اکوسیستم را ممکن می سازد (The Encyclopedia of Oxford, 1996).

اکوسیستم، به خاطر ویژگی ثبات، می تواند به جبران سازی اقدام کند تا کارکردش با خطر موجه نشود. در اکوسیستم سکونت، اگر در هر یک از عرصه ها تغییری رخ دهد، بر کل سیستم تغییراتی وارد می شود و کیفیت سکونت مختل می گردد. در این صورت، امکانات درعرصه های دیگر و یا شیوه سکونت باید تغییر کند تا اکوسیستم سکونت پایدار بماند. شکل ۳ – الف مدلی است که تعبیر کلی جبران سازی را در اکوسیستم بیان می کند.

شکل ۳. الف – جبران سازی

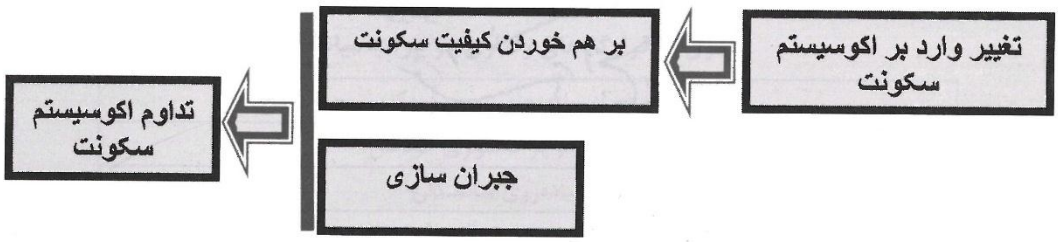

(Madani ,2007,p.14)

در تحقیق حاضر:

« کیمنگی عرصه خصوصی که منجر به کیمنگی فضای – جمعی خانه می شود» (Rasekhi-Nezhad ,2007) معادل تغییر وارد بر اکوسیستم سکونت است.

« کاهش تعاملات اجتماعی در همه رده های سنی که ناشی از کمینگی فضای جمعی خانه است»، معادل بر هم خورد کیفیت سکونت است.

« طراحی عرصه میانه در جهت افزایش تعاملات اجتماعی « معادل جبران سازی» است. (شکل ۳ – ب)

شکل ۳. ب – جبران سازی در عرصه میانه

۵. نقش عرصه میانه در جبران سازی مسکن حداقل

تفاوت مقیاس رفتاری در عرصه عمومی و خصوصی، مانع از تداوم رفتارهای انسان از یکی به دیگری است. عرصه میانه می تواند خاستگاه رفتارهایی باشد که در مقیاسی بین خانه (عرصه خصوصی) و شهر (عرصه عمومی) کارایی دارد و موجب اتصال دو عرصه مذکور خواهد بود.

عرصه میانه به دلیل همجواری با عرصه خصوصی، محل حضور گروه های مختلف سنی و اجتماعی است. در تحقیق حاضر، مشاهدات رفتاری ساکنان دو مجموعه بزرگ مسکونی نشان داد که کودکان در عرصه میانه، بازی می کنند. نوجوانان به مطالعه، گفتگو، بازی و تفریح می پردازند. بزرگسالان، به گفتگو، خرید، تفریح و حتی مطالعه می پردازند. مکان ارتباطات اجتماعی سالمندان نیز عرصه میانه است. از سویی، ناتوانی اندام واره ای و محدودیت شعاع حرکتی

کودکان و سالمندان، مانع تداوم حضور این دو گروه در عرصه عمومی است؛ بنابراین از میان عرصه های میانه و عمومی، عرصه میانه دارای قابلیت های بیشتری برای جبران کاستی های حداقل سازی عرصه خصوصی است.

حداقل سازی مسکن را می توان با افزایش تعاملات اجتماعی در عرصه میانه جبران کرد، اما عرصه میانه چگونه باید طراحی شود تا تعاملات اجتماعی افزایش یابد؟ برای پاسخ، شناخت ویژگی های فضا که موجب افزایش تعاملات اجتماعی می گردد لازم است.

۱-۵- ویژگی های فضایی موثر در افزایش تعاملات اجتماعی

براساس ادبیات موضوع، ویژگی هایی مانند ساختار سلسله مراتبی فضاها، ساختار متقارن آن ها و قرارگاه های رفتاری متنوع موجب افزایش تعاملات اجتماعی می گردد که به ترتیب بررسی می شود:

۱-۱-۵- ساختار سلسله مراتبی فضاها: فضاهای بیرون از خانه ، سلسله مراتبی از کوچک به بزرگ را تعریف می کند (شکل ۴) . مردم در پی فضاهایی هستند که بتوانند از آن فضای بزرگ تری را نظاره کنند و آگاهی نسبی از فضایی که می خواهند به آن وارد شوند پیدا کنند. (Alexander & et al ,1977,pp.556-560)

شکل ٤. سلسله مراتب فضایی بیرون از خانه

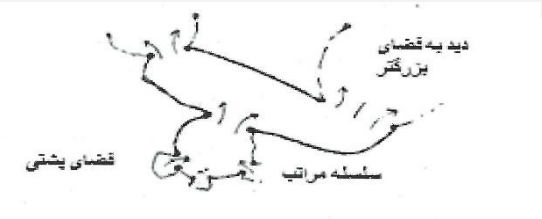

(Pattern Language by Alexander ,1977,p.560)

مردم در فضاهایی احساس آرامش دارند که به فضای کوچک تر و یک فضای بزرگ تر مرتبط باشد (شکل ۵). بنابراین اگر ساختار فضایی عرصه میانه دارای سلسله مراتبی از بزرگ به کوچک باشد امکان حضور ساکنان در آن و احتمال تعامل آن ها بیشتر می شود.

شکل ۵. ایده سلسله مراتب فضایی در عرصه میانه

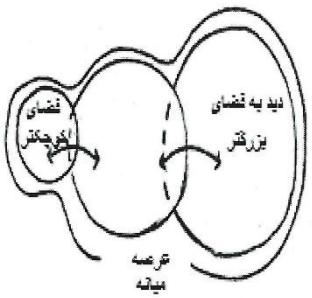

۲-۱-۵- فضاهای متقارن

منظور از تقارن در فضاهای مختلف یک عرصه، آن است که راه های رفت و برگشت بین آن فضاها یکسان باشد (Hiller & Hanson ,1984,pp.93-94). در شکل ۶ راه ارتباطی از فضای ۱ به فضای ۲ دقیقاً همان راه از ۲ به ۱ است بنابراین می توان گفت فضاهای ۱ و ۲ متقارن اند (Hiller & Hanson ,1984,pp.93-94). وجود مسیرهای ارتباطی متنوع بین فضاها احتمال رویارویی افراد را کاهش می دهد و وجود راه های رفت و برگشت یکسان، احتمال مواجهه افراد با یکدیگر را بیشتر می کند، بنابراین هرچه ساختار یک سکونتگاه متقارن تر باشد، امکان رویارویی افراد و گروه های اجتماعی بیشتر است.

شکل ٦. فضاهای ۱ و ۲ از طریق فضای ۳ با هم مرتبط و متقارن اند

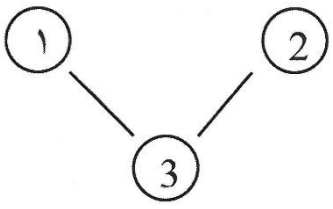

(Hiller & Hanson ,1984,p.93)

۳-۱-۵- قرارگاه رفتاری

قرارگاه رفتاری شامل دو دسته اند؛ ۱- قرارگاه های رفتاری منفعل و ۲ – قرارگاه های رفتاری فعال (De Chiara & Zelnik ,1995,pp.786-797) منظور از قرارگاه رفتاری منفعل، جایی است که رفتارهای آرام، با آلودگی صوتی کم در آن صورت می گیرد و قرارگاه رفتاری فعال، قرارگاهی است که رفتارهای پرتحرک و حتی با سر و صدا در آن رخ می دهد. در یک سکونتگاه، قرارگاه های رفتاری فعال و منفعل می تواند محل بروز رفتارهای مختلفی باشد (جدول ۱):

جدول ۱. قرارگاه های رفتاری در عرصه میانه

قرارگاه رفتاری فعال	**فضای بازی های توپی کودکان و خردسالان**
	فضای دوچرخه سواری کودکان
	محل پیاده روی سالمندان
قرارگاه رفتاری منفعل	**فضای نشستن (سالمندان)**
	فضای نشستن (نظارت بر کودکان)
	فضای نشستن (مطالعه)
	فضای بازی های آرام (مثل شطرنج)

(De Chiara & Zelnik ,1995,pp.786-797)

هر یک از قرارگاه های جدول ۱ شامل فضاهایی است که به دلیل ایجاد زمینه حضور ساکنان در رده های سنی و فرهنگی مختلف، احتمال بروز تعاملات اجتماعی را افزایش می دهد. نزدیکی فضاهای مذکور (مثلاً نزدیکی حیاط بازی به فضای نشستن سالمندان) و تداوم رفتارها از یکی به دیگری، موجب اختلاط بیشتر نسل ها و افزایش تعاملات اجتماعی است.

٦. تجزیه و تحلیل

روش تحقیق در این پژوهش بر پایه استدلال منطقی و به شیوه کمی – کیفی است (Groat & Wang ,2005).

در تحقیق حاضر، ویژگی های فضایی موثر در افزایش تعاملات اجتماعی به مصداق های قابل فهم برای پرسش شنوندگان تبدیل و در مورد آن ها از ۲۰۰ نفر ساکن مسکن حداقل در دو مجموعه مسکونی پرسش شد.

بررسی میزان رضایتمندی پرسش شوندگان نشان داد که زمینه سازی برای افزایش تعاملات اجتماعی ممکن است منجر به تزاحم شود. براساس نتایج پرسشنامه های باز – پاسخ، در طراحی عرصه میانه سکونتگاه ها، ایجاد سلسله مراتب حیاط های متوالی و طراحی فضاهایی مانند « پیش خانه» و « ایوان بازی کودکان» می تواند ضمن افزایش تعاملات اجتماعی از مزاحمت های ناخواسته جلوگیری کند. در ادامه فضاهای مذکور و چگونگی دستیابی به آن ها توضیح داده می شود:

الف – « پیش خانه» : این پژوهش نشان داد که اتصال بی واسطه خانه با مشاعات، به دلیل برخی رفتارها مانند بدرقه مهمانان، نگهداری کفش ها بیرون از خانه و مانند آن موجب مزاحمت برای همسایگان می گردد. در زیستگاه های متراکم، افراد بسیاری در قالب یک جامعه کوچک، زندگی می کنند. تفاوت های فرهنگی منجر به دسته بندی های اجتماعی شده و وجود قلمرو، در چنین زیستگاهی در مرز های همسایگی لازم است. مطابق ادبیات موضوع، ساختار سلسله مراتبی عرصه میانه (Alexander & et al ,1977,pp.556-560) می تواند تعاملات اجتماعی را افزایش دهد و براساس پرسشنامه های باز – پاسخ، جهت جلوگیری از تزاحم، در سلسله مراتب مذکور فضای واسطی میان عرصه خصوصی (خانه) و عرصه میانه ضروری است که رفتارهایی مثل استقبال و بدرقه مهمان، زیباسازی و نشانه گذاری می تواند در آن انجام پذیرد. طراحی فضای مذکور، از آن جهت است که تفاوت های دو عرصه خصوصی و میانه، مانع از آن است که انسان به یکباره از یکی به دیگری وارد شود. در مقاله حاضر، این فضا از آن جهت که پشت در خانه (خردترین فضا در سلسله مراتب عرصه میانه) است « پیش خانه » نامیده می شود.

واحدهای مسکونی (عرصه خصوصی) که در همسایگی هم هستند، با تعریف « پیش خانه » حریم خصوصی خود را ثبت می کنند و مانع از اختلاط و ارتباطات ناخواسته می شوند.

در مسکن حداقل به دلیل کمینگی فضای جمعی و چند منظوره بودن آن (نشیمن خانواده)، می توان تعاملات کوتاه مدت با آشنایان و همسایگان را در « پیش خانه» انجام داد. مثلاً امکان ارتباط کودک خانواده با کودک همسایه، یا گفتگوی والدین آن ها در پیش خانه وجود دارد.

ب– « ایوان بازی در طبقات » : براساس ادبیات موضوع، قرارگاه رفتاری متنوع می تواند موجب افزایش تعاملات اجتماعی شود. یکی از این قرارگاه ها، فضای بازی کودکان است. مشاهده رفتاری ساکنان، نشان داد که لزوم کنترل والدین بر

رفتاری کودک اطمینان از امنیت او، مانع از آن است که در بلوک های ساختمانی بلند مرتبه، همواره کودک به فضای باز عرصه میانه (حیاط) روی آورد. گاهی نیز به دلیل شرایط نامساعد جوی، والدین به کودک اجازه بازی در فضای باز را نمی دهند. بازی کودکان در فضاهای بسته مشترک میان واحدهای مسکونی نیز راه حل مناسبی نیست ؛ زیرا دسته بندی متفاوت سنی و اجتماعی ساکنان، موجب می شود بازی کودکان برای گروهی مناسب و برای گروهی دیگر، به دلیل ایجاد سر و صدا مزاحم باشد؛ بنابراین فضای بسته تعریف شده برای بازی کودکان نیاز است. بررسی نگرش سنجی ساکنان نشان داد مسئله امنیت کودکان و امکان کنترل والدین بر آن ها عامل تعیین کننده ای در طراحی فضای بازی است. این فضا، باید با یک فاصله منطقی از واحدها، امکان کنترل والدین را بر بازی فرزندشان فراهم آورد و دسترسی به آن آسان باشد. از این رو جای ایوان بازی در طبقه میانی در هر ۳ طبقه ساختمان پیشنهاد شد. با توجه به لزوم طراحی سلسله مراتب فضایی، مکان ایوان بازی در قسمتی از ساختمان خواهد بود که به تراس یا حیاط باز مجموعه، دید داشته باشد (شکل ۷). از آن جا که پیش بینی ایوان بازی، هم حاصل نگرش ساکنان واحدهای حداقل و هم منطبق با ادبیات موضوع است، می تواند قابل اطمینان باشد.

شکل ۷. ایوان بازی در طبقات

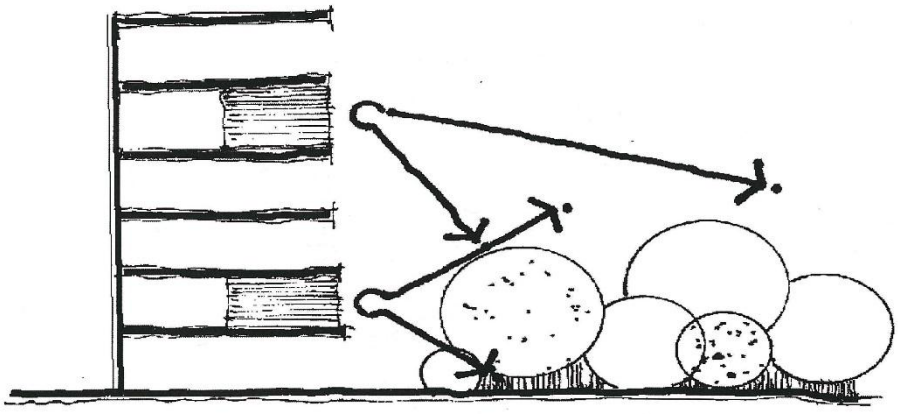

به دلیل لزوم تعامل گروه های سنی متفاوت (Alexander ,1977,pp.114-145) می توان مکانی برای سالمندان در « ایوان بازی» در نظر گرفت. نگرش سنجی از سالمندان نشان داد آن ها به دلیل علاقه به ارتباط با نوه های خود، در ایوان بازی حضور می یابند.

ج- سلسله مراتب حیاط های متوالی : براساس ادبیات موضوع، ساختار سلسله مراتبی فضاها در افزایش تعاملات موثر است. در این پژوهش، مشاهده رفتار ساکنان نشان داد رفتارها جاری در حیاط ها شامل گفتگو، بازی کودکان، مطالعه، قدم زدن، رفت و آمد، دوچرخه سواری، شطرنج و بازی های آرام، ورزش و بازی های پر سر و صداست. به دلیل تفاوت قلمرو رفتارهای مذکور و نیز ادبیات موضوع، حیاط ها می تواند به صورت سلسله مراتبی از حیاط های اصلی، حیاط میانی و حیاط های اختصاصی طراحی شود. حیاط اصلی از نظر بزرگترین و حیاط ها اختصاصی کوچک ترین حیاط ها هستند (جدول ۲) و شکل ۸) . قرارگاه های رفتاری فعال در حیاط های اصلی و میانی و قرارگاه های رفتاری منفعل در حیاط های اختصاصی قرار می گیرد.

جدول ۲. رفتارهای مشاهده شده ساکنان در حیاط های متوالی در عرصه میانه

رفتار	حیاط های متوالی عرصه میانه		
	حیاط اصلی	حیاط میانی	حیاط اختصاصی چند بلوک
گفتگو با آشنایان			
گفتگو با دوستان و همسایگان			
بازی کودکان			
مطالعه			
بازی های آرام مانند شطرنج			
قدم زدن			
رفت و آمد			
دوچرخه سواری			
ورزش			
زیباسازی و نشانه گذاری			

با ایجاد فضای سبز و آب نما می توان ضمن مرزبندی حیاط های مذکور، پیوستگی آن ها را حفظ و به زیباسازی آن ها کمک کرد.

شکل ۸. شاختار سلسله مراتبی حیاط های متوالی در عرصه میانه مجموعه های مسکونی

علی رغم تواف ۶۹ درصدی ساکنان با طراحی « پیش خانه »، « ایوان بازی» و « حیاط های متوالی» در عرصه میانه (برای افزایش تعاملات اجتماعی)، تحلیل پرسشنامه های باز – پاسخ نشان داد که اکثریت ساکنان نگران مزاحمت های احتمالی و نیز افزایش هزینه ها در فضاهای مذکورند. تحلیل نظرات پرسش شوندگان وجود چالش هایی را در بخش هایی طراحی، سرمایه گذاری، نگهداری و بهره برداری فضاهای مذکور نشان داد (جدول ۳). هر چند « پیش خانه» ، به دلیل اتصال با عرصه خصوصی، در حفظ حریم خانه موثر است اما فضایی است که بین همه همسایگان مشترک است؛ بنابراین طراحی این فضا به گونه ای باید باشد که مانع تملک صد در صد اختصاصی ساکنان گردد. مثلاً امکان افزودن فضای « پیش خانه» به مساحت خانه نباشد؛ بنابراین چگونگی تملک و شخصی سازی این فضا در سطح برنامه ریزی و قانون گذاری باید مشخص گردد.

جدول ۳. چالش های طراحی عرصه میانه بر اساس نگرش سنجی ساکنان

فضای پیشنهادی چالش احتمالی	پیش خانه	حیاط های متوالی	ایوان بازی
طراحی	**ایجاد مرزهای غیر فیزیکی**	**تمهیدات برای کاهش آلودگی صوتی، نورپردازی، طراحی متناسب با اقلیم، طراحی مبلمان و فضای سبز**	**تنوع فضای بازی، تنوع مبلمان، تجهیزات الکترونیکی بصری، اکوستیک فضا و سهولت دسترسی به فضا**
تامین تجهیزات	**جلوگیری از تنوع بیش از حد**	**نورپردازی، تاسیسات آبیاری و مبلمان**	**مبلمان، تجهیزات الکترونیکی بصری، وسایل بازی**
برنامه ریزی	**چگونگی تصرف و نگهداری، افزایش هزینه تمام شده مسکن**	**تعیین چگونگی تصرف و نگهداری، افزایش هزینه تمام شده مسکن**	**تعیین چگونگی تصرف و نگهداری، افزایش هزینه تمام شده مسکن**
سرمایه گذاری	**افزایش مساحت مشاعات، افزایش هزینه های سرمایه گذاری**	**افزایش مساحت مشاعات، افزایش هزینه های سرمایه گذاری**	**افزایش مساحت مشاعات، افزایش هزینه های سرمایه گذاری**
نگهداری	**نظافت و تعمیر و نگهداری، افزایش هزینه ماهیانه ساکنان**	**نظافت، باغبانی، تعمیرات و تامین تجهیزات، افزایش هزینه نگهداری**	**نظافت، نگهداری و تامین لوازم، افزایش هزینه نگهداری**

برنامه ریزان باید وجود « پیش خانه » را در آیین نامه مربوط به مسکن حداقل وارد نمایند و راهکارهایی برای جبران هزینه سرمایه گذاری مروبط به آن، ارائه نمایند. چون این فضا ساخته می شود، اما قابل فروش نیست (زیرا جزوات مشاعات است)؛ لذا سرمایه گذاران باید توسط راهکارهای تشویقی به اجرای آن ترغیب گردند.

کنترل و نگهداری از « پیش خانه» نیز چالش برانگیز است و هزینه هایی را به هزینه ماهیانه واحدهای مسکونی می افزاید؛ بنابراین در مدیریت مجتمع باید با ارائه مقررات لازم، ضوابط نگهداری آن مشخص گردد.

« ایوان بازی« ، محل بازی کودکان و احیاناً حضور بزرگسالان و سالمندان است. از این رو، وجود مبلمان متناسب با رده های سنی مختلف در این فضا لازم است. طراحی این فضا، باید دارای تنوع و تداوم باشد. لزوم کنترل و مراقبت از کودکان به هنگام بازی، مستلزم استفاده از تجهیزات الکترونیکی مانند دوربین مدار بسته است تا والدین به آسانی از وضعیت امنیت کودک خود مطلع باشند و در صورت لزوم، با او ارتباط برقرار سازند. پس ساخت « ایوان بازی» و ملزومات آن، هزینه هایی در بر دارد؛ اما جزء مشاعات است و قابل فروش نیست؛ بنابراین سرمایه گذار باید توسط قوانین و حمایت های دولتی مجاب شود، به گونه ای که هزینه های اجرایی باعث گرانی مسکن نگردد.

تحلیل داده ها نشان داد که وجود حیاط در سکونتگاه هایی با واحدهای حداقل، امری است ضروری. طراحی حیاط ها باید با شرایط اقلیمی منطبق باشد، در غیر این صورت، ناکارآمد خواهد بود.. حیاط ها شامل فضای سبز، نشستگاه، آب نما و نشانه هایی برای شناسایی و زیبا سازی محیط است. وجود گیاهان همیشه سبز، مبلمان، تجهیزات و فرسایش آن ها در اثر عوامل جوی، مستلزم صرف هزینه است. آلودگی صوتی در حیاط ها نیز باید با ایجاد حریم های سبز، پنجره های دو پوسته و شیشه های چند جداره جبران شود. پس در بخش برنامه ریزی با تخصیص امکانات ویژه دولتی می توان به سرمایه گذار و با یارانه ها به ساکنان از نظر اقتصادی یاری رساند. در سرمایه گذاری نیز می توان با تامین بخشی از هزینه ها از منابع دولتی، افزایش هزینه ها را جبران نمود و مانع گران شدن مسکن شد. برای نگهداری و کنترل فضا نیز، لازم است هزینه های ماهیانه میان ساکنان سرشکن گردد.

۸. نتیجه گیری

امروزه، مسکن حداقل برای پاسخگویی به بحران مسکن پذیرفته شده است. در این تحقیق، مشاهده رفتار ونگرش سنجی از ۲۰۰ نفر ساکنان خانه های حداقل نشان داد که حداقل سازی مسکن، پاسخ مناسبی جهت خودشکوفایی انسان در اکوسیستم سکونت نیست و مسئله جبران سازی مسکن حداقل (عرصه خصوصی) در سایر عرصه های زندگی (عرصه میانه یا عرصه عمومی) مطرح گردید. به آن دلیل که عرصه میانه حلقه واسطه ای میان عرصه های خصوصی و عمومی

است و تداوم عرصه خصوصی را در آن می توان دید، در مقاله حاضر مسئله جبران سازی مسکن حداقل در عرصه میانه بررسی شد. بررسی ادبیات موضوع و مشاهده رفتار ساکنان خانه های حداقل نشان داد در خانه های حداقل، امکان برقراری تعاملات اجتماعی به صورت محدود وجود دارد؛ بنابراین جهت حفظ کیفیت سکونت، مسئله افزایش تعاملات اجتماعی در عرصه میانه مطرح گردید. ادبیات موضوع موید آن است که ساختار سلسله مراتبی و متقارن فضاها موجب افزایش تعاملات اجتماعی است. مشاهده رفتار ساکنان نشان داد که هر چند ویژگی های مذکور جهت افزایش تعاملات اجتماعی لازم است، اما کافی نبوده و گاه موجب مزاحمت های ناخواسته و آلودگی صوتی می گردد و علاوه بر پیش بینی تمهیدات طراحانه، ارائه راهکارهایی در سطوح برنامه ریزی، سرمایه گذاری، بهره برداری و نگهداری از فضاهای عرصه میانه را می طلبد. نگرش سنجی از ساکنان، نشان داد که با طراحی فضاهای مکمل مانند « پیش خانه»، « ایوان بازی» و « سلسله مراتب حیاط های متوالی» در عرصه میانه می توان تعاملات اجتماعی را با مزاحمت کمتری برای ساکنان افزایش داد. این امر با به کارگیری راهکارهای کیفی زیر محقق می گردد:

- طراحی ساختار متقارن و منظم بلوک های مسکونی در عرصه میانه
- طراحی سلسله مراتب حیاط های مختلف شامل حیاط بزرگ تر (حیاط اصلی مجموعه)، حیاط میانی و حیاط های کوچک تر (حیاط اختصاصی چند بلوک مسکونی) و نشانه گذاری آن ها با نشستنگاه، فضای سبز، آب نما و مانند آن
- طراحی قرارگاه های رفتاری فعال و منفعل با کاربری های متنوع مانند فضای بازی، ورزش، پیاده روی و نشستنگاه در حیاط های متوالی عرصه میانه
- طراحی و اختصاص حریمی به نام « پیش خانه» به هر واحد مسکونی
- طراحی « ایوان بازی» در فواصل هر سه طبقه ساختمان، طوری که امکان دسترسی آسان به آن و کنترل والدین بر کودکان فراهم باشد.

از آنجا که طراحی فضاهای مذکور، مساحتی را به سطح عرصه میانه می افزاید که جزء مشاعات است و قابل فروش نیست، بنابراین نیازمند برنامه ریزی جهت سرمایه گذاری و نیز حمایت از سرمایه گذاران است. نگهداری و کنترل این

فضاها نیز نیازمند مدیریت جامع نگری است زیرا هزینه ماهیانه اضافی را به ساکنان تحمیل می کند که لازم است با تخصیص یارانه تامین شود. نیز جهت بهره برداری بهتر، لازم است در مرحله طراحی، سرمایه گذاری، اجرا و نگهداری به مبلمان و تجهیزات هر یک از فضاهای مذکور توجه شود.

ENVIRONMENT ARCHITECTS

پی نوشت

۱. اکوسیستم (Ecosystem) مخفف کلمه (Ecological System) است. (Babylon) اکولوژی دانش شیوه زندگی موجودات و نسبت آن ها با محیط است و سیستم، مجموعه ای از واحدهاست که میان آن ها ارتباط متقابلی در جهت تامین هدف واحدی وجود دارد (**The** دانشنامه **of Oxford** ، ۱۹۹۶).بوم سازگان یک واحد اکولوژیکی شامل اجزای زنده و غیر زنده است که این اجزا گاه شامل اجزای دیگری بوده و با هم در تعامل اند ا اکوسیستم به ثبات برسد. اکوسیستم جامعه ای از سیستم های زنده یا گونه های مختلف است که این گونه ها با یکدیگر و با محیط بی جان خود کنش وو واکنش دارند. اکوسیستم ها برای حفظ سلامت و پایداری و ثبات خود از ویژگی هایی مانند خاصیت ارتجاعی و اینرسی استفاده می کنند تا بتوانند بعد از اعمال تغییران بیرون به حالت نرمان خود بازگردند.

(Mohammadrezaie ,2004,pp.25-41) مترادف واژه اکوسیستم در زبان فارسی « بوم ساخت» است.

۲. در ایران، در دهه های اخیر و در برنامه ریزی های کلان، مسئله مسکن و کمبود آن به دلایل متفاوت مانند فرسودگی محیط کالبدی، جنگ، افزایش جمعیت و .. به قدری بحرانی بوده است که تمام نیرو و اندیشه برنامه ریزان را به خود معطوف کرده است و سیاست گذاران در این زمینه بیشتر معطوف به کمبود مسکن بوده اند تا کیفیت سکونت.

۳. جولانگاه بسیاری از الگوهای رفتاری غریزی، عرصه خصوصی است. اکثر الگوهای رفتاری در عرصه های خصوصی در مقیاس ۱ متر کار می کنند. (Salingaros ,2000,p.15) و (Alexander ,1977,) عرصه عمومی نیز خاستگاه ارتباطات گسترده اجتماعی است و شامل الگوهای شهری است که در مقیاس ۱۰۰ متر کاربرد دارند (همان جا)

۴. Symmetrical

۵. مجموعه های مسکونی باید مکان های امنی برای بازی کودکان داشته باشند که به آسانی مورد نظارت قرار گیرد. (Ardalan, sirt , Dhoushi, Safdi & Candlis ,2010,p.85).

۶. ویژگی سلسله مراتبی فضاها می تواند تعاملات اجتماعی را افزایش دهد که در متن مقاله توضیح داده شد.

Refrences

- Ahari, Z. & Arjmand-nia. (1989). Minimal Housing, Tehran : Research Center of Building & Housing.
- Christopher, A., Ishikawa, S., Silverstein, M., Jacobson, M ., Fiksdahl – King, I . and Angel , S. (1977). A Pattern Language, Oxford University Press.
- Alexander, Ch. (1992). Social and Private Life Areas, (M. Mozayyeni, Trans.). Tehran: Tehran University.
- Altman, E. & Werner, C . M (1985) . Home Environments, New York : Plenum Press, Vol . 8.
- Ardalan, N., Sirt, L. Kh., Dhoushi, B. , Safdi, M., Candis , Kh. (2010). Habitat Bill of Rights, Tehran, International Art & Architecture Research Association, Yad- Avaran.
- Babylon Online Dictionary (2012) . http://dictionary.babylon.com/ecosystem/
- Dehkhoda, A., The Encyclopedia of Dehlhoda, Tehran : Tehran University Publication
- De, C., Panero , J., Zelnike , M . (1995). Time Saver Standards for Housing and Residential Development, McGraw Hill
- Friedman , A . (2007). Canadian Architect & Affordable Homes, Feb.
- Gifford, R. (2000). Psychology of Dwelling Environment, (V. ghobadian, Trans) Journal of Architecture & culture, 2,3.
- Groat, L . & Wang, D . (2005). (A. Eynifar, Trans.) , Architectural Research Methods . Tehran : University of Tehran Press.
- Hiller , B . & Hanson, J . (1984). The social Logic of Space, Cambridge Univesity Press.
- Iran Statistical Yearbook. (2007). Islamic Republic Of Iran Plan & Budget Organization Statistical Center of Iran.
- Lang , J. (2003). Creating Architectural Theory: The Role of Behavioral Sciences in Environment Design , (A ., Eynifar , Trans) Tehran: Tehran University.

- Marani, R. (2008). Minimalism in Housing Eco system. Ph. D . Dissertation, Tehran : Shahid Beheshti University
- Mohammadrezaie. Sh. (2004).A system Approach to Ecosystems Analysis, Tehran: Aeezh.
- Proshansky Harold, M., Ittelson William , H. & Rivlin Leanne, G. (1970). Environment Psychology Man and Physical Setting.
- Rafat-jah, F. (2003). The Developments of Housing Planning in Recent Two Decades, Tehran: Cheked & Amir Bahador.
- Rapoport, A. (2010). Pour Une Anthropologie de la Maison , (K. Afzaliyan, Trans). Tehran: Hereh : Honarmand.
- Rapoport, A. (1969). House From and Culture, Prentice-Hall Ince.
- Rasekhi-Nezhad, M. (2007). Optimom Gathering Area of Home, Ph.D. Dissertation, Tehran: Shahid Beheshti University.
- Salingaros Nikolas, A . (2000) . The Structure Of Pattern Languages
- Schulz, Ch. (2002). The Concept of Dwelling: On the way to Figurative Architecture, (M. Amir – Yarahmadi,Trans.) Tehran: Agah.
- The Encyclopedia of Oxford. (1996), Tehran : Zabankade.
- The Gauidelines & laws for Designing and Building 20000 New House, Department of Housing and Urban Development, the National organization of Housing and Land.

ENVIRONMENT ARCHITECTS